

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما – ادامه دهندگان)

۱۲ می ۲۰۱۲



## گل سرخ دیگری پرپر شد



چون بمیرم از غبار من چراغ لاله ساز\*

تازه کن داغ مرا، سوزان به صحرای مرا

(اقبال لاهوری)

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) که به مثابه نتیجه منطقی مبارزات انقلابی چند دهه قبل در کشور ما، از فرزندان دلیر، پاکباز، خردمند و با درایت خلق غیور و زحمتکش ما شکل گرفت، جهت تحقق اهداف والای انقلابی اش برای کسب آزادی و استقلال راستین، تحقق دموکراسی مردمی، استقرار عدالت اجتماعی واقعی، ترقی فراگیر اجتماعی و رفاه خلق حرمان کشیده و در نهایت عزیمت از قلمرو جبر طبیعی و اجتماعی به قلمرو اختیار و آزادی کار و پیکار بی امان نموده است. در جریان فراز و فرود این پیکار بی برگشت، "ساما" فرزندان بنام و گمنام جانباخته زیادی را در دامان خلق حماسه آفرین کشور و در مدرسه مبارزه سترگ انقلابی پروریده و تاقله پرتلاوه فرهیختگی و وارستگی انقلابی ارتقاء داده است. یک تن

از این فرهیختگان وارسته، پروفیسور عبدالرشید غفوری بود. غفوری در سال ۱۳۳۸ شمسی در شهر زیبای پروان دیده به جهان گشود. خانواده دانش پرور او اسمش را برحسب تصادف نیک (رشید) گذاشتند. تو گوئی به رشادت، پایمردی و کارنامه های افتخارآمیز و غرورآفرین او از قبل آگاهی داشتند.

عبدالرشید دوره های آموزشی ابتدائی تا ثانوی را در همان زادگاهش به اتمام رسانید. وی از زمره شاگردان استثنائی و ممتاز بود. بعد از اخذ سند فراغت از لیسه نعمان در مرکز ولایت پروان و با اخذ نتیجه عالی در امتحان "کانکور"، شامل پوهنحی طب کابل گردیده و با پشتکار و تلاش خستگی ناپذیر تحصیل خود را به پایه اکمال رسانید.

رشید جوان مشغول تداوم آموزش بود که فاجعه خونین و منحوس هفت ثور وقوع یافت و متعاقب آن، کشور عزیز ما مورد تجاوز و اشغال نظامی وحشیانه ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیسم روس قرار گرفت. این فرآیند اسارت آور موجب برانگیختن قیام های خود به خودی و سرتاسری مردم غیور و سلحشور ما از کران تا کران افغانستان بر ضد کودتاگران ثوری "خلقى - پرچمی" و بادر سوسیال امپریالیست آنان شد.

در تعاقب فاجعه غم انگیز هفت ثور ۱۳۵۷ و در بحبوحه رستاخیز شگرف توده ئی علیه آن و در پیامد منطقی مبارزات ممتد فرزندان انقلابی طبقات و اقشار زحمتکش جامعه و به یمن خردمندی، ژرف اندیشی و اراده انقلابی جمعی انقلابیون نامور کشور، سرانجام "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان" (ساما) در پاسخ به ضرورت و نیاز تاریخی و مبارزاتی آن مقطع تاریخ مبارزاتی کشور، در سرطان ۱۳۵۸ پیروزی شد. در آن برهه زمان "ساما" تحقق برنامه های انقلابی اش را منوط به گسستن زنجیر اسارت و کسب آزادی ملی و استقلال کشور می پنداشت. بناءً، در سپیده دم میلاد پرآوای خود "سه‌مگیری فعال در پیکار مسلحانه مردم را وظیفه تخطی ناپذیر" خود پذیرفت.

"ساما" به خاطر پیروزی جنگ مسلحانه و آزادیبخش خلق ما و تعمیق و تکامل بی انحراف آن، استفاده از اشکال گونه گون مبارزاتی را در سرلوحه کار و پیکار خود قرار داد. به تاسی از اتخاذ چنین سیاستی "تدارک و برانگیختن اعتصابات، تظاهرات ... و بسیج توده ها در سازمان های ویژه توده ئی و درجهت تقویت مبارزه مسلحانه مردم و تسریع سرنگونی رژیم کودتا" را از اهم وظایف خود تلقی نمود. "ساما" هرگونه همکاری باخاندان ملی و سوسیال امپریالیسم اشغالگر و سه‌مگیری در فعالیت های سیاسی و اقتصادی رژیم مزدور از قبیل تقسیم زمین، جبهه ملی پدر وطن، فراخوان آشتی ملی، و عضویت در اتحادیه ها و سازمان های صنفی و ... را مردود و همدستی باخاندان ملی و سوسیال امپریالیسم متجاوز و اشغالگر روس خواند. زیرا که "اتحادیه ها و سازمان های صنفی در متن چنین سیاستی، جز آن که به پرورشگاه خیانت و جنایت و وسیله انحطاط و سرکوب مردم مبدل شود، به هیچ رو مدرسه پرورش انقلابی و ابزار تحقق خواسته های توده ها نمی تواند باشد". بناءً، بسیج، تهییج و سازماندهی مردم به پاخاسته ما از موضع ملی - انقلابی ضرورت انصراف ناپذیر و فوری نبرد آزادیبخش ملی پذیرفته شد. "ساما" با استفاده از وسایل و ذرایع دست داشته به تبلیغ و ترویج اندیشه های آزادیبخش ملی (آگاهی ملی) و اندیشه های پیشرو عصر (آگاهی انقلابی - طبقاتی) و سازماندهی عناصر شایسته در دو محور ملی و انقلابی را در دستور کار خود قرار داد.

با اعلام موجودیت "ساما" و به ویژه پس از قرار گرفتن "روس اشغالگر در سرآشوب رسوائی و تباهی" با اشغال نظامی افغانستان و ظنین انداز شدن شعار آزادی خواهانه رزم مجید - "ساما" یعنی (یامرگ یا آزادی!) و (بریده باد زبانی که در برابر تجاوز امپریالیسم خاموش بماند!) و رگبار مسلسل رزمندگان جسور "ساما" بالای نیروهای متجاوز بود که بارقه های امید در لهای مردم در بند و جوانان جست و جو گر کشور ما درخشید. به زودی "ساما" با کار و پیکار چشمگیر انقلابی اش مرکز توجه عمومی و به ویژه توده ها و جوانان طبقات زحمتکش ملیت های مختلف کشور ما قرار گرفت.

عبدالرشید غفوری یکی از هزاران جوانی بود که کین به حق به ضد رژیم مزدور سوسیال امپریالیسم روس را در دل داشتند و اندیشه های سترگ و آرمان های والای آزادیخواهانه را در سر می پروراندند. این جوان آزاده، پس از مطالعات مقدماتی، آرزوهای خود را در آئینه تمام نمای خط انقلابی "ساما" به وضاحت دیده و به عضویت آن در آمد. از این زمان تحول شگرفی در افکارش رونما شد. با فراگیری دانش انقلابی به مبارزی دانشمند، واقع بین، دارای صفات و سجایای عالی انقلابی و افکار

بزرگ مبدل شد. موصوف در کوره داغ مبارزه و پیکار روز تا روز آبدیده می شد، به انسان آهنین اراده تحول نمود. با عبور از کوره راههای سنگلاخی و خاراين به تجارب گران بها دست یافت. مقهور شکست ها و مغرور پیروزی ها نبود، بلکه با متانت وصف نا پذیری به پیشواز دشواری ها و ناملايمات می رفت. به پیروزی حقیقت زحمتکشان بر امپریالیسم و ارتجاع، به چیرگی نهانی جهان نو بر جهان کهن باور خلل ناپذیر داشت و شب و روز برای تحقق این آرمان گرامی در صف پیکارگران سامائی می رزمید.

به اثر شرایط ویژه جنگ نابرابر ضدروسی مردم و وابستگی غلیظ نیروهای ارتجاعی و دخالت مغرضانه رقبای امپریالیستی و ارتجاعی سوسیال امپریالیسم، جنبش آزادیبخش خود انگیخته ملی مردم ما به بیراهه اهداف ارتجاعی و امپریالیستی سوق داده شد و قلب ماهیت یافت. "ساما" نیز کوتاه مدتی پس از ایجادش، به دلیل از دست دادن رهبران و کادرهای طراز اول نظریه پرداز و سازماندهش و در پیشاپیش آنان مؤسس و رهبر آن زنده نام "مجید" قبل از گام های اولیه استحکاماتی ایدئولوژیک و تشکیلاتی و پا پس کشیدن "چپ" بی عمل ادعاگر، از لحاظ فکری برای مدتی دستخوش بی موازنگی شد. در چنین جوی و در غیاب تسلط خط مسلم انقلابی ایدئولوژیک - سیاسی مطروحه در پروسه ایجاد "ساما" و تفوق خط راست بالائر چنین ضرباتی، افکار انحرافی لیبرالیسم و "تازه اندیشی"، و پی آمد آن - تسلیم طلبی -، "ساما" را در معرض خطر انحلال و استحاله فکری - سیاسی قرار داد. پدیده تسلیم طلبی زاده این انحراف راست فکری تأثیرات زبانبار خود را بر بخشی از سازمان ما نیز بر جای گذاشت.

رفیق داکتر رشید غفوری در آن مقطع یکی از صد ها سامائی بود که با اتخاذ موضع گیری قاطع و صریح در برابر این انحرافات، از موضع بنیان های فکری، سیاسی "ساما" آگاهانه و پیگیرانه از آن بنیان ها و اصول مطروحه دفاع کرده و از موضع چپ انقلابی به جمع رفقای ضد لیبرالیسم و "تازه اندیشی" و تسلیم طلبی پیوست.

رفیق داکتر غفوری به نمایندگی بخش خود، در کنگره دوم ساما در حمل ۱۳۷۵ شمسی (مارچ ۱۹۹۶م) فعالانه شرکت ورزید. او در بحث روی مسائل حل طلب و بالاخص روش و اشکال سیاسی فعالیت سازمان به مثابه یک واحد کل نسبت به وظایف جدید و یا نسبت به وضعیت سیاسی جدید از موضع و میتود اصول تئوریک انقلابی پشتیبانی کرد. داکتر رشید در جریان کنگره به صف رفقای پیوست که بالای برخورد کاسبکارانه و سود جویانه و تسلیم طلبی طبقاتی عده ای از مسوولان سازمان به شدت انتقاد کرده و خواهان پاسخ آنان در رابطه به مرگ جمعی تعدادی از رفقای ما در حادثه سقوط طیاره از کابل به مزار در اپریل ۱۹۹۲ شدند.

داکتر رشید در جریان مباحث ایدئولوژیک دومین کنگره ساما در حمل ۱۳۷۵ شمسی این افتخار را نیز کمائی کرد که یکصدا با همه شرکت کنندگان آن کنگره سند انحرافی لیبرالی موسوم به "اعلام مواضع ساما" مصوب اولین پلنوم از اولین کنگره ساما مؤرخ جوزای سال ۱۳۵۹ را به اتفاق آراء باطل اعلام کنند. دومین کنگره اعلام داشت که سند انحرافی لیبرالی نامبرده که در گذشته در نتیجه عوامل فوق الذکر در شرایط خاص و در حالت بی موازنگی توسط خط راست بر "ساما" تحمیل شده و هویت ایدئولوژیک و ماهیت طبقاتی انقلابی "ساما" را به طور جدی خدشه دار ساخت، از همان روز به بعد در "ساما" رسمیت نداشته و "ساما" منبع در قبال آن کدام مسوولیتی ندارد و آن سند را باطل شده می داند. از زمان تدویر دومین کنگره "ساما" تا امروز خط اصولی خط برنامه ساما است که هر گام خود را باید نبرندگان با خطوط انحرافی (از جمله خط انحرافی و تسلیم طلبانه مرکزیت کنونی و حامیان آن) بردارد.

یکی از پیام های فروپاشی "اتحادشوری" و تحولات دوده اخیر قرن بیستم و قلب ماهیت نظام چین سوسیالیستی به سوی سرمایه داری، هم صدا شدن طیف های مختلف روشنفکران و گروه های سیاسی روشنفکری با این روند بود. به زعم آنان گویا فروپاشی شوروی و عقبگرد چین توده نی به سوی سرمایه داری برابر بود با شکست "اعمار سوسیالیسم و تئوری مربوط به آن" و با این شکست "بديل دیگری وجود ندارد". این تبلیغات دروغین در کوتاه مدت زمینه ساز مقبولیت ایده های پراگماتیسم و لیبرالیسم شده و غافل از آن که:

**گمان مبرکه به پایان رسید کارمغان هزار باده ناخورده در رگ تاک است**

بديل عملی و تئوريک سوسيالیستی و کارائی آن را پايان يافته پنداشتند.

در بحبوحه استیلاي ابرهای تیره جهت گم کردگی و روحیه باختگی، کشور ما توسط امپریالیسم امریکا و شرکای امپریالیستی اش در اکتوبر ۲۰۰۱ اشغال شد. رهبری منحرف اپورتونیست و مستأصل سازمان متأثر از این گرد و غبار پراکنده شده توسط نظریه پردازان سرمایه امپریالیستی؛ به جای نکوهش و طرد تجاوز، با اتخاذ موضع گیری تسلیم طلبانه خود به خواست اشغالگران گردن نهاد: یعنی همراهی با اشغالگران کشورش و قاتلان مردم بی دفاعش و قبول رهبری آنان. تئوریسین رویزیونیست باند مرکزیت منحرف و تسلیم طلب در "ساما" از ۱۱ سال قبل تا امروز اغواگرانه کوشیده است سیاست تسلیم طلبانه و خانانیه خود را نسبت به امر انقلاب و خلق در زنجیر ما در زیر عبارات به ظاهر دموکرات مآبانه بیوشاند و انقیاد طلبی شان را به مدد سفسطه پایه تئوریک بدهد. اینان تا همین اکنون باور ندارند که این کشور توسط چندین کشور امپریالیستی اشغال شده است. این مرکزیت منحرف و تسلیم طلب علی رغم اشغال کشور توسط امپریالیست های امریکا و ناتو، از ابتداء تا همین حالا تضاد عمده جامعه اشغال شده ما را فقط با فنودالیسم پنداشته و مدعی بوده است که امپریالیسم امریکا و شرکاء برای "زدن فیودالیسم و آوردن مدرنیته" به کشور ما آمده اند و در این صورت باید رهبری شان را در کشور خود پذیرفت.

همچنان میانه گرایان والتقاطیون "فابیانیست" پرشکيب با تجاهل عارفانه؛ ارتداد، انحراف و تسلیم طلبی رهبریت را به دیده اغماض نگریسته، ضمن اتخاذ روش پراگماتیستی و موضع گیری بی درد سر، در آخر کار با توافق و تفاهم نسبی با مرکزیت رهبری آن را پذیرفتند.

رفیق داکتر ما، با آگاهی همه جانبه از ماهیت ایدئولوژیک - سیاسی انحراف و تسلیم طلبی مرکزیت مردود، و با شناخت از موضع نوسانی و زیانبار منسوبین خط سنتریستی، در کنار اکثریت رفقای اصولی انقلابی سامانی قاطعانه و پیگیرانه در برابر مرکزیت منحرف به مقابله پرداخت. او در این مبارزه تا واپسین دم متین، جدی و پیشگام بود. وی با درک عمیق از ماهیت گنبد امپریالیسم از موضع تئوری انقلابی، مرعوب ظاهر نیرومند و شکست ناپذیرش نشده، بلکه نفرت و انزجار به حق مردم خود را در مقابل اشغالگران متجلی و بازتاب نمود.

همزمان با تبارز انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی خط تسلیم طلبانه مرکزیت حاکم، سامانی های مدافع ایدئولوژی طبقه کارگر در وجود خط ایدئولوژیک - سیاسی بنیان گذاران (ساما) مبارزه جدی، قاطع و بی امان خود را به ضد موضع گیری تسلیم طلبانه و اپورتونیستی رهبری مرتد و مطرود آغاز نموده و در (ماه قوس ۱۳۸۶) با انتشار رساله ای تحت عنوان "به سوی غلبه "ساما" بر تسلیم طلبی و اپورتونیسم" خط انحرافی و تسلیم طلبانه مرکزیت را به شیوه منطقی و مستدل شلاق کش نمودند که مورد استقبال و منبع الهام رفقای اصولی سامانی در داخل و خارج کشور قرار گرفت. رفیق داکتر در این امر نیز پیشتاز بود.

در پرتو چنین اندیشه های بزرگ انقلابی، رفیق ما دارای اوصاف والا و ستوده یک انسان انقلابی نیز بود. وی که در کنار مشغله های مبارزاتی، به شغل طبابت نیز اشتغال داشت و طیب حاذقی بود، با پشت پازدن به هرگونه انگیزه مادی، به مداوای نیازمندان و مستمندان بیمار می پرداخت و با دلجویی و اطمینان دهی صمیمانه، در قلب آنها جای داشت. بدین ملحوظ در زمان کوتاه شهرت و محبوبیت زایدالوصفی کسب کرد. شرکت هزاران تن با چشمان اشکبار و اندوه عمیق در مراسم تدفین او مؤید محبوبیت و شهرت نیک وی در میان مردم است.

وی در شفاخانه ابن سینا مشغول ایفای وظیفه بود و پیوسته درباره شفا یابی بیماران بی بضاعت و مداوای آنان می اندیشید. رفیق عزیز ما از درد جانکاه قلبی رنج می برد. ولی هیچ گاهی از آن شکوه نداشت. با جرأت می توان گفت که حتی عده ای از رفقا از بیماری او آگاهی نداشتند. در واقع با اندیشیدن درباره دردها و رنج های بیکران مردم بلاکشیده ما، درد و رنج طاقت فرسای خود را فراموش کرده بود. هرچند او به اصرار و تأکید مکرر رفقاء و دوستان به مداوای خود توجه نمود، ولی متأسفانه مداوایش نتایج مطلوب و شفافخش در پی نداشت. سر انجام دو سال قبل به اثر همان بیماری با دریغ و درد، مردم رنجیده ما یک انقلابی راستین و یک طبیب حاذق و دردمند را در ساعت ده شب ۲۲ ثور ۱۳۸۹ از دست داد. رفیق داکتر رشید با مرگش آرمانی نا تمام را با خود به سینه خاک برد.

مرگ نابه هنگام او، همه رفقاء، دوستان و خانواده او را در اندوه عمیقی فرو برد. هم اکنون جای او در میان رفقاییش در جمع سامائی های ادامه دهنده راه پیشکسوتان انقلابی ما خالی است. ولی رفقای مصمم رشید غفوری پس از مرگش با تبدیل انرژی مصرفی اندوه به انرژی مولد مبارزاتی، درست یک سال پس از درگذشت المناک وی به منظور تحقق آرمان های انقلابی این رفیق ارجمند و خلق رنجیده ما، در هژدهم ثور ۱۳۹۰ در "کنفرانس احیاء و تداوم ساما" با تبارز علنی " ساما ادامه - دهندگان" سازمان به گروگان گرفته شده "ساما" را از زیر خروار ها خاک بیرون کشیده و درفش مبارزاتی (یا مرگ یا آزادی!) سامای مجید را به اهتزاز در آوردند و با ارتداد، انحراف، اپورتونیسیم و تسلیم طلبی و انحلال طلبی مرکزیت و اعوان و انصارش خط جلی فاصل کشیدند.

اینک در دومین سالگرد از دست دادن رفیق رشید مان ، بر ماست تا پا فشردن در مسیر انقلابی ما، با گرامیداشت آرمان های انقلابی و نا تمام به جا مانده و بلند تر نگهداشتن درفش مبارزاتی و با محکم گرفتن اندیشه انقلابی، با او و کلیه شهداء و رفتگان انقلابی ما تجدید میثاق کنیم. کاش رفیق رشید امروز در کنار ما بود تا خود به ثمر نشستن آنهمه کار و پیکار خستگی ناپذیر رفقاییش برای احیاء و تداوم سازمانش را به چشم سر می دید!

**یادش مستدام و آرمانش گرامی باد!**

**یا مرگ یا آزادی!**

**سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)**

**۲۲ ثور ۱۳۹۱ شمسی**

\* - (پیام مشرق)